

رابطه راهبردهای شناختی و فراشناختی با میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان شهری و روستایی مقطع متوسطه

کوروش پرویز* MSc، مسعود شریفی^۱ PhD

*گروه روان‌شناسی، مرکز گیلانغرب، دانشگاه پیام نور، گیلانغرب، ایران

^۱گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

اهداف: در مورد راهبردهای یادگیری به‌طور کلی بر دو نوع راهبرد شناختی و راهبرد فراشناختی تاکید شده است. طرفداران و منتقدان راهبردهای فراشناختی در زمینه توانایی این مفهوم در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی اظهارات ضد و نقیض دارند. هدف از تحقیق حاضر، بررسی رابطه راهبردهای شناختی و فراشناختی با موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان شهری و روستایی بود.

روش‌ها: این پژوهش از نوع همبستگی در سال ۱۳۸۵ روی ۲۷۸ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهری و روستایی شهرستان گیلانغرب انجام شد. مدارس به روش تصادفی و دانش‌آموزان مورد مطالعه به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری، پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری بود که پس از تایید پایایی و روایی مورد استفاده قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل با کمک نرم‌افزار SPSS 16 استفاده شد.

یافته‌ها: بین استفاده از راهبردهای فراشناختی و معدل رابطه مثبت معنی‌دار وجود داشت ($p=0/012$). همچنین بین استفاده از راهبردهای شناختی و معدل نیز رابطه مثبت معنی‌دار مشاهده شد ($p=0/001$). بین میانگین نمره دانش‌آموزان شهری و روستایی در استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی تفاوت معنی‌دار وجود داشت ($p=0/01$) و دانش‌آموزان شهری از هر دو راهبرد بیشتر استفاده می‌کردند.

نتیجه‌گیری: هم استفاده از راهبردهای شناختی و هم استفاده از راهبردهای فراشناختی در موفقیت تحصیلی تاثیرگذار است و همچنین محل سکونت (شهر یا روستا) نیز در استفاده از این راهبردها موثر است، به طوری که دانش‌آموزان شهری بیش از دانش‌آموزان روستایی از هر دو راهبرد استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای یادگیری، راهبردهای شناختی، راهبردهای فراشناختی، پیشرفت تحصیلی

Relationship between cognitive and metacognitive strategies and educational success in urban and rural high school students

Parviz K.* MSc, Sharifi M.¹ PhD

*Department of Psychology, Gilan-e-Gharb Center, Payam-e-Noor University, Gilan-e-Gharb, Iran

¹Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences & Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

Aims: Regarding the learning strategies, cognitive and meta-cognitive learning strategies are emphasized in general. Fans and critics of meta-cognitive strategies have controversial opinions on the capability of this concept in predicting educational success. The main aim of this research was to evaluate the relationship between learning strategies and educational success in urban and rural students.

Methods: This correlation study was carried out on 278 rural and urban high school students of Gilan-e-gharb County in 2006. Schools were selected by randomized sampling method and the students were selected by multistage cluster sampling. The measurement tool was the questionnaire of learning strategies used after confirmation of its reliability and validity. Data were analyzed by descriptive statistical methods, Pearson correlation and independent t-test using SPSS 16 software.

Results: There was a significant positive correlation between using cognitive learning strategies and the students' averages ($p=0.012$). There was also a significant positive correlation between using meta-cognitive learning strategies and the students' averages ($p=0.001$). There was a significant difference between urban and rural students' average scores of using cognitive and meta-cognitive strategies ($p=0.01$) and urban students used both strategy types more than rural students.

Conclusion: Use of both cognitive and meta-cognitive learning strategies is effective in educational success. In addition, the residence location is also effective in using these strategies in a way that urban students use both types of learning strategies more than rural students.

Keywords: Learning Strategies, Cognitive Strategies, Meta-Cognitive Strategies, Educational Success

مقدمه

هدف از آموزش، کمک به ارتقای سطح یادگیری در دانش‌آموزان است. اما یادگیری موضوع واحدی نیست. بلکه تقریباً همه فعالیت‌هایی که ما در طول زندگی انجام می‌دهیم، از تجارب یادگیری ما سرچشمه می‌گیرد. ما موضوع‌های مختلف درسی و غیردرسی مانند ریاضیات، ادبیات، هنر، علوم دینی و نحوه معاشرت را می‌آموزیم. علاوه بر این، ما عواطف مختلف را نیز یاد می‌گیریم.

در مورد راهبردهای یادگیری به‌طور کلی به دو نوع راهبرد شناختی و راهبرد فراشناختی تاکید شده است. در سال‌های اخیر شاهد پیشرفت عظیم روان‌شناسی پرورشی به سوی کشف این راهبردها یعنی راهبردهای یادگرفتن و مطالعه‌کردن بوده‌ایم [۱]. از سوی دیگر، توانایی یادگیرندگان برای آموختن متفاوت است. سال‌هاست که روان‌شناسان تربیتی درصدد پاسخ‌دادن به این سؤال هستند که چرا بعضی دانش‌آموزان نسبت به بعضی دیگر از نظر پیشرفت تحصیلی موفق‌ترند؟ برای پاسخ‌دادن به این سؤال، بررسی عواملی که تصور می‌شود موفقیت تحصیلی را تبیین می‌کنند، ضرورت پیدا می‌کند. زمانی تنها استفاده از راهبردهای شناختی مدنظر روان‌شناسان تربیتی بود، اما به‌مرور زمان روشن شده است که کلید تبیین و پیش‌بینی موفقیت و کامیابی، تنها استفاده از راهبردهای شناختی نیست. بسیاری از دانش‌آموزان با استفاده از راهبردهای شناختی مشکلات زیادی در فراگیری مطالب درسی دارند، در حالی که دانش‌آموزان دیگر با تاکید بیشتر روی راهبردهای فراشناختی، موفقیت تحصیلی بالایی را کسب کرده‌اند [۱]. محققان نشان داده‌اند چنانچه راهبردهای فراشناختی را به راهبردهای شناختی اضافه کنیم، پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی به‌طور معنی‌داری با احتمال بیشتر امکان‌پذیر می‌شود تا این که تنها از راهبردهای شناختی استفاده کنیم. [۲]. تعدادی از محققان بر این باورند که علاقه به راهبردهای فراشناختی تا حدی واکنش به این باور است که راهبرد شناختی تنها کلید پیشرفت تحصیلی است. آنچه در این‌جا اهمیت دارد اظهارات ضد و نقیض طرفداران و منتقدان راهبردهای فراشناختی در زمینه توانایی این مفهوم در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی است [۳].

راهبردهای شناختی از مناظر مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند. پارک به دو طبقه از راهبردهای شناختی اشاره می‌کند: راهبردهایی که اثربخشی نیرومند دارند و راهبردهایی که اثربخشی ضعیف دارند. راهبردهایی که اثربخشی آنها بالاست، راهبردهای خلاصه‌سازی، یادداشت‌برداری، روش کلمه کلید، سرنخ‌ها، روش مکان‌ها و سازمان‌دهنده‌های پیشرفته را در برمی‌گیرند و راهبردهایی که اثربخشی پایین دارند، راهبردهای خط‌کشیدن و نقشه‌های مفهومی را در برمی‌گیرند [۴]. بریسی و همکاران به راهبردهای مختص به هدف اشاره می‌کنند. هدف استفاده‌کنندگان از راهبرد، دست‌یابی به هدفی فراتر از انجام راهبرد است (مانند درک یک متن، یادگیری مطالب برای یادآوری بعدی، ایجاد ارتباط و یافتن جواب مساله). اکثر

راهبردهای مختص به هدف، مربوط به حیطة خاصی است. برای مثال، راهبردهای حفظ‌کردن عبارت است از؛ تکرار مطالبی که یاد گرفته می‌شوند، گروه‌بندی مطالب قابل سازمان‌دهی به خوشه‌هایی که به‌علت روابط معنایی با هم تناسب دارند، ایجاد رابطه بین عناصر جداگانه و در نتیجه، افزایش قابلیت یادگیری آنها [۵].

راهبردهای شناختی که برای پردازش اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند، در سه دسته؛ الف) تکرار یا مرور ویژه تکالیف ساده و پیچیده، ب) بسط ویژه تکالیف ساده و پیچیده و ج) سازمان‌دهی ویژه تکالیف ساده و پیچیده، خلاصه می‌شوند:

الف) راهبردهای تکرار یا مرور: راهبردهای تکرار یا مرور شامل تکرار (به‌طور ذهنی، لفظی یا نوشتاری) اطلاعاتی است که باید یاد گرفته شوند. راهبردهای تکرار و مرور برای تکالیف ساده، خواندن یک مطلب با صدای بلند یا آهسته، دوباره‌خواندن یک مطلب و تکرار نکات اساسی یک مطلب با صدای بلند یا آهسته را در برمی‌گیرد. راهبردهای تکرار و مرور در مورد مطالب پیچیده شامل انتخاب‌کردن بخش‌ها از طریق خط‌کشیدن در زیر آنها، خلاصه‌برداری و یادداشت‌برداری است [۶].

ب) راهبرد بسط و گسترش معنایی: گسترش معنایی عبارت است از ایجاد ارتباط ذهنی بین مطالبی که باید آموخته شود با دانش موجود یا افزایش درک و فهم به‌وسیله تغییر شیوه نگرش به مطالب در ارتباط با دیگر موارد. به گفته وار و دایوینگ راهبردهای بسط یا تفسیری، راهبردهایی هستند که با خلق پیوندهایی به مطالب حفظ‌کردنی معنی می‌بخشند. بسط‌دهی غالباً به‌صورت خودبه‌خودی انجام می‌گیرد و هنگامی که با مطالبی درباره یک موضوع مواجه می‌شویم، بلافاصله دانش قبلی‌مان یا طرح‌واره آن موضوع در ذهن ما فعال می‌شود [۷].

ولفولک می‌گوید مطالبی که بسط داده می‌شوند، در یادگیری اولیه سریع‌تر آموخته می‌شوند و دیرتر فراموش می‌شوند و نیز از آن‌جا که بسط موجب ارتباط‌هایی بین دانش جدید با دانش موجود می‌شود و با قطعه‌های زیادی از اطلاعات قبلی ارتباط و پیوند پیدا می‌کند، هنگام تلاش برای یادآوری، کلیدهای زیادی برای بازیابی در اختیار فرد قرار می‌دهد. لذا گسترش معنایی در تسهیل بازیابی مطالب نیز موثر است [۸].

ج) راهبرد سازمان‌دهی: سازمان‌دهی، مهم‌ترین و کامل‌ترین نوع راهبرد یادگیری و مطالعه است. سازمان‌دهی نوعی راهبرد بسط معنایی است. اما تفاوت آن این است که یادگیرنده در استفاده از راهبرد سازمان‌دهی برای معنی‌دارساختن یادگیری به مطالبی که قصد یادگیری آن را دارد نوعی چهارچوب سازمانی را تحمیل می‌کند، در حالی که چنین عملی در راهبردهای بسط و گسترش معنایی الزامی نیست. این چهارچوب سازمانی می‌تواند خاص اطلاعات جدید باشد (یعنی نوعی سازمان درونی) یا این که مطالب موجود را به مطالب جدید ربط دهد (چهارچوب بسطی).

در قیاس با راهبردهای شناختی که راه‌های یادگیری هستند،

مولفه مهم یعنی طرز برخورد، نگرش، عواطف و اعمال باشد. گاهی عواطف باعث نگرش‌هایی می‌شود که بعداً روی رفتار تاثیر می‌گذارد. نظریه‌پردازانی همچون وینر و همکاران و هارتز، نیروی نگرش را خیلی ساده و صریح چنین بیان کرده‌اند: نگرش، کوشش نتیجه‌بخش است [۱۲].

ج) دقت: آخرین مرحله، خودنظم‌بخشی در فراشناخت یا به عبارت دیگر، آگاه‌بودن و کنترل سطح توجه و دقت است. روان‌شناسان معتقدند که در هر لحظه زیر بمباران محرک‌های مختلف قرار داریم و مسلماً نمی‌توانیم به همه آنها توجه کنیم یا به آنها بپردازیم، پس به برخی توجه داریم و بقیه را نادیده می‌گیریم. دقت دو نوع است: دقت غیرارادی و دقت ارادی. دقت غیرارادی، انعکاسی و یک واکنش است. به‌عنوان مثال، نوزادان با شنیدن صدای بلند، سر خود را در جهت صدا تکان می‌دهند. دقت ارادی تحت کنترل خودآگاه یا هشیار قرار دارد و بیشتر فعال است تا منفعل. برای مثال، در حین تماشای یک تصویر وقتی تصمیم می‌گیریم که به جزئیات آن توجه کنیم، طبق دقت ارادی عمل کرده‌ایم. دانش‌آموزان باید این درک را داشته باشند که تکلیف متفاوت نیاز به سطوح متفاوتی از دقت دارد [۱۱].

در جریان بحث در مورد دانش و کنترل فرآیند، دو عنصر مهم مورد تاکید قرار گرفته است: الف) انواع دانش موثر در فراشناخت و ب) کنترل اجرایی رفتار [۱۱].

الف) انواع دانش موثر در فراشناخت شامل دانش خبری، دانش روندی و دانش شرطی است؛ دانش خبری به جنبه‌هایی از "دانش این‌که" و آگاهی از اطلاعات اشاره دارد. دانش روندی به جنبه‌هایی از "دانش چگونگی" و به اطلاعات درباره روش‌ها، قانون‌ها و اصول اشاره دارد و دانش شرطی به جنبه‌هایی از "دانش چه‌وقت و چرا" مربوط است [۱۳]. ب) کنترل اجرایی رفتار شامل ارزش‌سنجی، طرح‌ریزی و نظم‌بخشی است:

- ارزش‌سنجی شامل ارزیابی وضع موجود دانش یعنی سنجیدن وضع روحی و ذهنی ماست. آیا آنچه تاکنون خوانده‌ام درک کرده‌ام؟ آیا شرح و نوشته‌های این نقشه را فهمیده‌ام؟ ارزش‌سنجی در تمام طول یک فرآیند رخ می‌دهد و همچنین نکته پایانی یک تکلیف است. ارزش‌یابی شامل هدف و هدف‌های فرعی تکلیف است. کار را کجا باید خاتمه دهیم؟ در طول کار کدام اهداف را می‌خواهیم به نتیجه برسانیم؟ اگر به هدف نهایی دست نیابیم به کدام‌یک از هدف‌های فرعی می‌توانیم نایل شوم؟

- طرح‌ریزی شامل برگزیدن آگاهانه راهبردها به منظور تحقق‌بخشیدن اهداف خاص است و در این‌جا نقش دانش اخباری و شرطی آغاز می‌شود. دانش‌آموزان باید مجموعه یا گروهی از روش‌های مربوط به کار را بدانند و در مورد هر نکته معین، روش‌های مناسب‌تری را برگزینند.

- نظم‌بخشی شامل کنترل پیشرفت در جهت اهداف فرعی است که شناسایی‌دهنده است. نظم‌بخشی، فرآیند دایمی از میزان نزدیک‌بودن

راهبردهای فراشناختی تفسیرهایی هستند برای نظارت بر راهبردهای شناختی و هدایت آنها. دیمو در مقایسه این دو نوع راهبرد با یکدیگر می‌گوید: برحسب نظام خبرپردازی، راهبردهای شناختی به ما کمک می‌کنند تا اطلاعات تازه را به‌منظور پیوند دادن با اطلاعاتی که می‌دانیم، برای ذخیره‌سازی در حافظه درازمدت آماده سازیم. راهبردهای شناختی ابزارهای لازم برای یادگیری محتوی هستند، اما راهبردهای فراشناختی بر راهبردهای شناختی اعمال شناخت می‌کنند و به آنها جهت می‌دهند. به سخن دیگر، می‌توان به یادگیرندگان راهبردهای شناختی آموزش زیادی داد، اما مهارت‌های فراشناختی است که می‌گوید در یک موقعیت معین کدام راهبرد یا استراتژی شناختی مورد استفاده قرار گیرد و چه وقت باید تغییر استراتژی داد. بنابراین راهبردهای شناختی و فراشناختی باید با هم کار کنند [۹].

فراشناخت، هرگونه دانش یا فعالیت شناختی است که موضوع آن کنترل هر جنبه از اقدامات شناختی و تنظیم آن است. این مقوله، از آن جهت فراشناخت خوانده می‌شود که معنای اصلی آن "شناخت در مورد شناخت" است. گمان می‌رود که مهارت‌های فراشناختی، نقش مهمی در انواع فعالیت‌ها از جمله رد و بدل کردن اطلاعات به‌صورت کلامی، ترغیب کلامی، نوشتن، فراگیری زبان، توجه، حل مساله، شناخت اجتماعی و اشکال مختلف خودآموزی و کنترل خود ایفا کنند [۱۰]. روان‌شناسان پردازش اطلاعات، مراحل سه‌گانه حافظه (حسی، کوتاه‌مدت و بلندمدت) را در برخورد با محرک‌ها مطرح می‌کنند. آنها علاوه بر این مراحل، فرآیندهای تشخیص و توجه را به‌عنوان عوامل کنترل‌کننده حافظه حسی و حافظه کوتاه‌مدت و راهبردهای رمزگردانی و بازیابی را به‌عنوان فرآیندهای کنترل‌کننده حافظه کوتاه‌مدت و بلندمدت در نظر می‌گیرند. اطلاعات فراشناختی نیز شامل اطلاعات فرد در مورد فرآیندهای کنترل‌کننده نظام پردازش است. از این رو، در نظریه پردازش اطلاعات، فراشناخت مجموعه دانشی است که هر فرد باید در مورد ویژگی‌های مراحل حافظه و کنترل‌کننده‌های آن داشته باشد و این دانش موجب می‌شود که امر پردازش اطلاعات موثرتر انجام گیرد [۱۱].

در بحث راهبردهای فراشناختی دو جنبه دانش و کنترل خود و دانش و کنترل فرآیند مطرح است [۱۱]. دانش و کنترل خود، شامل سه بخش تعهد، نگرش و دقت است:

الف) تعهد: تعهد قضیه شانس و تصادف نیست. همه مردم این قدرت را دارند که در هر زمان ایجاد تعهد نمایند. در حقیقت، پیرکینز پی برده است که انسان‌های خلاق می‌توانند در موقعیت‌هایی که دیگران نمی‌توانند، در خود تعهد ایجاد کنند. *بلاس و اروسپیک* ذکر می‌کنند که تعهد در اصل یک تصمیم است، تصمیم برای به‌کاربردن انرژی در یک تکلیف یا کار. *کراس و پاریس* این جنبه فراشناخت را متحد کردن و تنظیم مهارت با اراده می‌نامند [۱۱].

ب) نگرش: وینر در الگوی سه‌گانه، رفتار انسان را به‌عنوان یک اصل قبول دارد. الگویی که در آن، رفتار می‌تواند تحت تاثیر متقابل سه

به اهداف یا هدف‌های فرعی است. [۱۱].

با توجه به این که طیف وسیعی از جمعیت ایران را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند و همچنین با توجه به این که مشکلات زیادی در آموزش و نحوه استفاده از راهبردهای متنوع آموزشی در این امر وجود دارد، ضروری به نظر می‌رسد که پژوهش‌هایی در مورد تاثیر به‌کارگیری راهبردهای یادگیری مختلف در امر آموزش و عوامل موثر بر استفاده از این راهبردها به‌ویژه عامل محل سکونت (شهر و روستا) که در تحقیقات گذشته بدان پرداخته نشده است، صورت گیرد تا کیفیت آموزش ارتقا یابد.

هدف از تحقیق حاضر، بررسی رابطه راهبردهای شناختی و فراشناختی با موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان شهری و روستایی بود.

روش‌ها

این پژوهش با توجه به اهداف و مقاصد آن که در پی اصلاح و مطلوب‌نمودن فعالیت یا ارایه راهنمایی برای عمل است، در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش نیز مستقیماً در آموزش و تدریس قابل استفاده و اجرا است. براساس روش، این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی است و سازمان‌دهی آن براساس طرح پس‌آزمون است. مطالعات همبستگی می‌تواند ذاتاً توصیفی یا استنباطی باشد. نکته مهم این است که مقصود از گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های همبستگی هرگز تحقیق درباره یک رابطه علت و معلولی قاطع نیست [۱۴].

جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر مدارس متوسطه روزانه (دولتی) شهرستان (شهر و روستاهای) گیلانغرب بود که در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۸۵ مشغول به تحصیل بودند (دوره پیش‌دانشگاهی جزء جامعه آماری محسوب نشد). تعداد این دانش‌آموزان برابر ۱۵۰۰ نفر بود. حجم نمونه براساس جدول مورگان برابر ۳۰۶ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که ابتدا از بین دبیرستان‌های شهرستان (شهر و روستاهای) گیلانغرب، ۴ مدرسه به‌طور تصادفی انتخاب شد (۲ مدرسه از شهر گیلانغرب یکی دخترانه و دیگری پسرانه و ۲ مدرسه از روستاهای گیلانغرب یکی پسرانه و دیگری دخترانه) و از بین دانش‌آموزان این مدارس، نهایتاً ۲۷۸ نفر به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار اندازه‌گیری، پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری بود که به‌صورت گروهی در کلاس اجرا شد. این پرسش‌نامه توسط کرمی ساخته شده است که راهبردهای شناختی و فراشناختی را می‌سنجد [۱۵]. این پرسش‌نامه از ۸۶ ماده تشکیل شده که ۴۹ ماده آن مربوط به راهبردهای شناختی و ۳۷ ماده دیگر مربوط به راهبردهای فراشناختی است. شیوه پاسخگویی به ماده‌ها به‌صورت پیوستاری از صفر تا ۹ بود. پایایی پرسش‌نامه، براساس آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۴ بود. روایی پرسش‌نامه نیز از طریق بازآزمایی تعیین شد. جمع‌آوری داده‌ها به‌شیوه

میدانی و با مراجعه به آزمودنی‌ها صورت گرفت که به هر یک از آنان یک نسخه از پرسش‌نامه مذکور ارایه شد.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. روش‌های آمار توصیفی برای محاسبه شاخص‌های توصیفی نظیر میانگین و انحراف استاندارد مورد استفاده قرار گرفت و برای بررسی رابطه بین متغیرها از روش همبستگی پیرسون و برای بررسی نقش جنسیت و محل سکونت (شهر و روستا) در موفقیت تحصیلی از آزمون T برای دو گروه مستقل استفاده شد.

نتایج

فراوانی مطلق و نسبی دانش‌آموزان مورد مطالعه براساس جنسیت و محل سکونت در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱) فراوانی مطلق و نسبی دانش‌آموزان براساس جنسیت و محل سکونت

جنس ← محل سکونت ↓	دختر		پسر		کل	
	تعداد (نفر)	درصد	تعداد (نفر)	درصد	تعداد (نفر)	درصد
شهر	۵۶	۲۰/۱۴	۵۵	۱۹/۷۹	۱۱۱	۴۰
روستا	۸۴	۳۰/۲۱	۸۳	۲۹/۸۶	۱۶۷	۶۰
کل	۱۴۰	۵۰/۳۵	۱۳۸	۴۹/۶۵	۲۷۸	۱۰۰

بین استفاده از راهبردهای فراشناختی و معدل (که نشان‌دهنده موفقیت تحصیلی است)، رابطه مثبت معنی‌دار وجود داشت ($r=0/35$ ؛ $p=0/012$). همچنین بین استفاده از راهبردهای شناختی و معدل نیز رابطه مثبت معنی‌دار مشاهده شد ($r=0/29$ ؛ $p=0/001$). مقایسه میانگین معدل دانش‌آموزانی که از راهبردهای شناختی و راهبردهای فراشناختی به‌صورت توأم استفاده می‌کردند با میانگین معدل سایر دانش‌آموزان نشان‌دهنده تفاوت کاملاً معنی‌دار بین این دو گروه از دانش‌آموزان بود (جدول ۲). به‌عبارت دیگر، دانش‌آموزانی که از راهبردهای شناختی و راهبردهای فراشناختی به‌صورت توأم استفاده می‌کردند، در مقایسه با سایر دانش‌آموزان موفقیت تحصیلی بیشتری داشتند.

جدول ۲) مقایسه معدل دانش‌آموزانی که از راهبردهای شناختی و فراشناختی به‌صورت توأم استفاده می‌کردند با معدل سایر دانش‌آموزان

شاخص ← متغیر ↓	فراوانی	میانگین	انحراف درجه معیار آزادی	t	سطح معنی‌داری
استفاده توأم	۱۳۳	۱۶/۵۶	۲/۴		
استفاده غیر توأم	۱۴۵	۱۵/۲۳	۲/۵	۲۷۶	۵/۲۱
					۰/۰۰۵

رابطه راهبردهای شناختی و فراشناختی با میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان شهری و روستایی مقطع متوسطه ۵ تفاوت معنی‌داری بین میانگین نمره دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر در استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی وجود داشت (جدول ۳). بین میانگین نمره دانش‌آموزان شهری و میانگین نمره دانش‌آموزان روستایی در استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی تفاوت معنی‌دار وجود داشت. به این صورت که دانش‌آموزان شهری از هر دو راهبرد بیشتر استفاده می‌کردند (جدول ۴).

جدول ۳) مقایسه میانگین نمره دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر در استفاده از راهبردهای شناختی و راهبردهای فراشناختی

شاخص ← متغیر ↓	جنسیت	فراوانی	میانگین نمرات	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t	سطح معنی‌داری
راهبردهای شناختی	پسر	۱۳۸	۲۷۱/۴۱	۵۰/۷۶	۲۷۶	۰/۹۲	۰/۳۵
	دختر	۱۴۰	۲۷۷/۹۹	۶۵/۸۸			
راهبردهای فراشناختی	پسر	۱۳۸	۱۴۷/۱۲	۲۶/۲۹	۲۷۶	۱/۲۷	۰/۳۵
	دختر	۱۴۰	۱۵۱/۸۶	۳۴/۵۷			

جدول ۴) آزمون T برای مقایسه راهبردهای شناختی و فراشناختی دانش‌آموزان دختر با دانش‌آموزان پسر

شاخص ← متغیر ↓	محل سکونت	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	t	سطح معنی‌داری
راهبردهای شناختی	شهر	۱۴۰	۳۷۸/۱۹	۵۷/۷۷	۲۷۶	۵۵	۰/۰۱
	روستا	۱۳۸	۲۶۲/۳۷	۵۷/۷۷			
راهبردهای فراشناختی	شهر	۱۴۰	۱۵۵/۵۴	۳۰/۴۸	۲۷۶	۲۸	۰/۰۱
	روستا	۱۳۸	۱۴۳/۶۰	۲۹/۹۸			

بحث

نتایج مطالعه حاضر، موید وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین استفاده از راهبردهای فراشناختی و شناختی و استفاده توأم آنها با موفقیت تحصیلی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان گیلانغرب است. یعنی هرچه میزان استفاده از راهبردهای فراشناختی و راهبردهای شناختی و استفاده توأم آنها بالاتر باشد، میزان یادگیری در یادگیرندگان بیشتر خواهد بود. بنابراین تحقیق حاضر، علاوه بر تایید اثربخشی راهبردهای شناختی، بار دیگر موید اثربخشی راهبردهای فراشناختی به‌عنوان بُعدی از راهبردهای یادگیری است که اخیراً مورد توجه روان‌شناسان یادگیری قرار گرفته است. این نتیجه با نتایجی که دیگریت [۱۶]، تر [۱۷]، جرال [۱۸] و همچنین انصاری [۱۹] به‌دست آورده‌اند، همخوان است.

در این پژوهش، هیچ‌گونه رابطه‌ای بین جنسیت دانش‌آموزان و چگونگی استفاده آنها از راهبردهای یادگیری به‌دست نیامده است و هر دو جنس به یک میزان از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده می‌کنند. بنابراین پژوهش حاضر قدری از اختلاف نظر پژوهشگران پیشین در زمینه تاثیر جنسیت در استفاده از راهبردهای یادگیری را به نفع طرفداران عدم تاثیر جنسیت در استفاده از راهبردهای یادگیری می‌کاهد. اما آنچه که در این تحقیق برای نخستین بار مورد توجه قرار گرفته است، بحث محل سکونت (شهر و روستا) و تاثیر آن بر چگونگی استفاده از راهبردهای یادگیری است. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که دانش‌آموزان شهری از هر دو راهبرد یادگیری (هم راهبرد شناختی و هم راهبرد فراشناختی) بیشتر استفاده می‌کنند. بحث

محل سکونت (شهر یا روستا) با مسایل بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تری در ارتباط است. تفاوت در محل سکونت (شهر یا روستا)، خود می‌تواند نمایانگر تفاوت‌های عمیق و متعدد دیگر در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امکانات رفاهی و آموزشی باشد. شرایط اقتصادی و امکانات آموزشی و رفاهی را می‌توان در توجیه تفاوت موجود بین دانش‌آموزان شهری و دانش‌آموزان روستایی در استفاده از راهبردهای شناختی در چهارچوب دیدگاه رفتاری‌نگر مورد استفاده قرار داد، در حالی که شرایط تبیین تفاوت بین دانش‌آموزان مزبور در استفاده از راهبردهای فراشناختی پیچیده‌تر به‌نظر می‌رسد و لازم است در این راستا به شرایط فرهنگی و اجتماعی در چهارچوب دیدگاه روان‌تحلیلی‌گری توجه نماییم.

هر جامعه‌ای دارای فرهنگ و الگوی تعاملی خاصی است که بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت افراد آن اثر می‌گذارد. جوامع اعم از شهری یا روستایی، شرقی یا غربی، بدوی یا امروزی و غیره، با توجه به ویژگی‌های خاصی که دارند از جمله فرهنگ و آداب و رسوم، به‌شیوه‌ای متفاوت از هم بر افراد تحت شمول‌شان اثر می‌گذارند و شخصیت و روحیات افراد خود را از شخصیت و روحیات افراد سایر جوامع تا حدود زیادی متفاوت می‌کنند. برای مثال، هرچه فرهنگ جامعه سخت‌گیرانه‌تر و انعطاف‌ناپذیرتر باشد (یعنی کمتر ظرفیت پذیرش بازخوردها و انتقادها را داشته باشد)، اشخاص سخت‌گیرتر و متعصب‌تری را می‌پروراند و بدین گونه چرخه کنش، واکنش و بازخورد حاصل از آن که متضمن مولفه اصلی فراشناخت یعنی خودنظارتی است را دچار اختلال می‌کند و این که افراد چنین جامعه‌ای نسبت به

7- Warr P, Dowing J. Learning strategies, learning anxiety and knowledge acquisition. *Br J Psychol.* 2000;91(3):311-33.

8- Woolfolk A. Effects of training in strategic questioning on children problem-solving. *Perform J Educ Psychol.* 1995;83(3):307-17.

9- Dembo D. History thinking. In: Rosenberg E, editor. *The psychology of human thought.* UK: Cambering University Press; 1998.

10- Falah JH. *Cognitive development.* Maher F, translator. Tehran: Roshd Publication; 1998. [Persian]

11- Marziye RJ. *Creating thinking in the curriculum and teaching.* Ahghar G, translator. Tehran: Yastaron Publication; 2001. [Persian]

12- Kadivar P. Metacognitive processes and its application in teaching and learning in education issues. *Psychol J.* 2002;4:27-32. [Persian]

13- Hasiao YP. The effects of cognitive styles and learning strategies in a hypermedia environment. Available from: <http://www.edb.utexas.edu/mmresearch/Students97/Hsiao/LS.html>

14- Human A. *Statistical inference in behavioral research.* Tehran: Pars Publication; 1994. [Persian]

15- Karami A. *Drawing instrument for managing of learning strategies and studding of determining relationship these strategies with educational success [dissertation].* Tehran: Tabatabaei University; 2002. [Persian]

16- Digereat A. *Metacognition foundation of cognitive science.* New York: MIT Press; 1996.

17- Eter G. Problem solving. *J Psychol.* 2001;70:79-80.

18- Gerald S. *Natures of problem solving.* New York: McGraw-Hill; 2001.

19- Ansari R. *Analyzing relationship between learning strategies and creativity [dissertation].* Tehran: Tehran University; 1998. [Persian]

افراد جامعه‌ای نسبتاً سهل‌گیرتر کمتر از راهبردهای فراشناختی استفاده کنند، چندان دور از انتظار نیست.

نتیجه‌گیری

هم استفاده از راهبردهای شناختی و هم استفاده از راهبردهای فراشناختی در موفقیت تحصیلی تاثیرگذار است و همچنین محل سکونت (شهر یا روستا) نیز در استفاده از این راهبردها موثر است، به طوری که دانش‌آموزان شهری بیش از دانش‌آموزان روستایی از هر دو راهبرد استفاده می‌کنند.

منابع

- 1- Seif AA. *Psychology breeding (learning in education).* Tehran: Agah Publication; 2002. [Persian]
- 2- Butcher A. *The psychology of thinking.* New Jersey: Prentice-Hall; 1998.
- 3- Miyer R, Salevey H. Children's metacognition knowledge about reading. *J Educ Psychol.* 1991;70:680-90.
- 4- Park S. Implications of learning strategy research for designing: Computer assisted instruction. *J Res Compar Educ.* 1995;21(4):735-56.
- 5- Pressley M, Brokowshi JG, Schreider W. Cognitive strategies: Good strategy users coordinate metacognition and knowledge. *Ann Child Dev.* 1987;4:89-129.
- 6- Tianjero C, Paramo MF. Field dependence-independence and strategic learning. *Int J Educ Res.* 1988;29:251-62.